۱۶ شهریور ۱۳۵۹ هجوم گسترده عراق به جبهه غرب پیش از آغاز رسمی جنگ

اولین تجاوز مرزی دشمن ۲ هفته پس از پیروزی انقلاب!

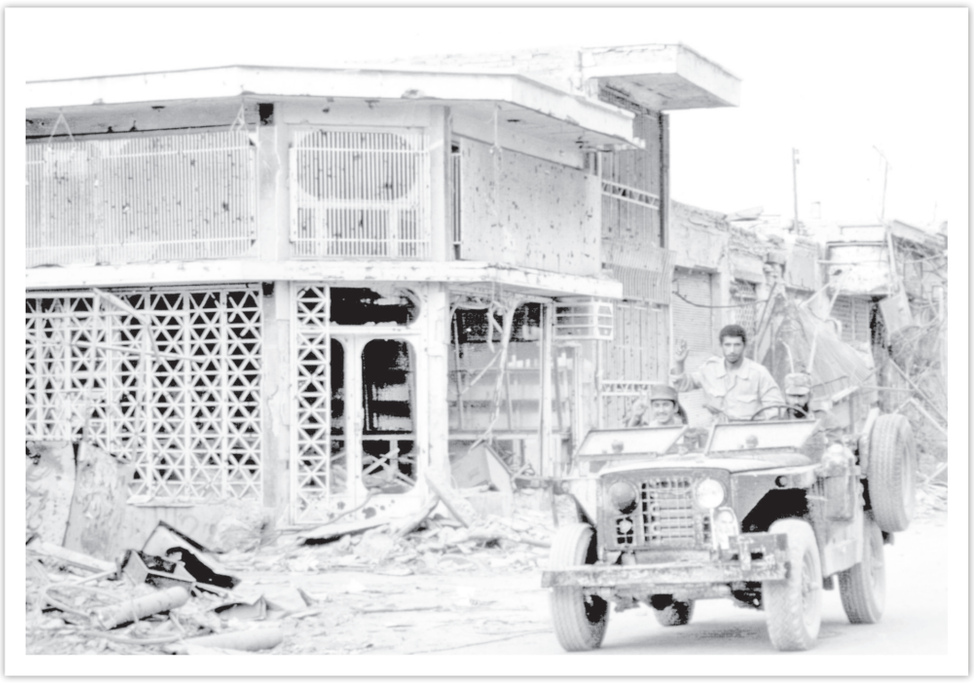

■ علیرضا محمدی

۱۶ شهریور ۱۳۵۹ عراق حمله بزرگی به مرزهای غربی کشور انجام داد و بخش‌هایی از مناطقی چون بلندی‌های میمک، خان‌لیلی، زینل کش و... را تصرف کرد. هرچند این هجوم و تصرف موقتی بود، اما نهایتاً بعثی‌ها ۱۵ روز بعد حمله سراسری و اصلی خود به خاک کشورمان را انجام دادند. در تاریخ دفاع مقدس به برخی وقایع به رغم اهمیتی که دارند، کمتر پرداخته شده است. اگر ما به تجاوزهای مکرر عراق بعثی پیش از تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، توجه و آنها را به حافظه تاریخی ملت ایران منتقل می‌کردیم، اکنون برخی جریان‌ها سعی نمی‌کردند با نگاه مغرضانه، ایران را مقصر حمله صدام قلمداد کنند!

■ **اولین تجاوز مرزی پیش از انقلاب!**

سال‌ها پس از اتمام جنگ تحمیلی، جلوه‌های بیشتری از این واقعه تاریخی پیش روی همگان گشوده شد. به عنوان نمونه خود صدام حسین پس از دستگیری توسط امریکایی‌ها در یکی از بازجویی‌هایش اعتراف کرده بود جنگ را در ۱۶ شهریور ۵۹ آغاز کرده است و نمی‌داند به چه دلیلی ایرانی‌ها اصرار دارند ۳۱ شهریور را روز آغاز جنگ معرفی کنند! او هرچند اعترافی دیرهنگام داشت، اما باز هم تمام حقیقت را نگفت. در واقع عراق پیش از آنکه انقلاب پیروز شود، وقتی پایه‌های حکومت شاه سست شده بود، تجاوزهای مرزی خود را آغاز کرد.

عراق که بین سال‌های ۱۳۵۲ تا ۵۳ درگیری‌های مرزی محدودی با ایران داشت، مترصد فرصتی بود تا توسعه‌طلبی‌های مرزی خود را دنبال کند. صدام همواره از مرزهای کشورش با ایران با عنوان «دروازه‌های شرقی» یاد می‌کرد و اختلافاتش با ایران را نه یک مسئله بین دو کشور که معضلی برای کل جهان عرب می‌دانست. از نظر او، عراق از دروازه‌های شرقی اعراب در مواجهه با رقیب تاریخی شان ایران دفاع می‌کرد.

■ **بمباران سیرین ۱۶ روز پس از انقلاب**

اعلام پیروزی انقلاب اسلامی به این دلیل در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انجام گرفت که در این روز ستاد کل ارتش اعلام بی‌طرفی کرد. اما هنوز انقلاب به بسیاری از نقاط کشورمان نرسیده بود. چنانچه در برخی پادگان‌ها، روزها پس از پیروزی انقلاب نیز بودند افسرانی که خود را جزئی از ارتش شاهنشاهی می‌دانستند!

در شرایطی که نظام اسلامی نتوانسته بود حاکمیت خود را بر تمامی نقاط کشورمان گسترش بدهد، بعثی‌ها در هشتم اسفند ۱۳۵۷ یک تجاوز خونین به استان کردستان داشتند و با هفت فروند بالگرد، منطقه سیرین را بمباران کردند. طی این تجاوز آشکار و علنی، ۱۵ ایرانی در سیرین به شهادت رسیدند. سیرین منطقه‌ای بین شهر مرزی بانه و آبادی شورطه بود. این منطقه در ۱۵کیلومتری مرز ایران قرار دارد. در این حمله یک موشک نیز به سوی پاسگاه مرزی ایران شلیک شد که به این پاسگاه صدمه‌ای وارد نشد. هجوم هفت بالگرد به یک منطقه مرزی، نشان می‌داد عراق بعثی با استفاده از شرایط سیاسی ایران، با چه گستاخی تجاوزهای مرزی خود را آغاز کرده بود. می‌گوییم آغاز؛ چراکه پس از این تجاوز آشکار، عراق تا شروع رسمی جنگ تحمیلی، بیش از ۶۰۰ مورد تجاوزهای مرزی انجام داد و با گزارش ایران به سازمان ملل، بسیاری از تجاوزهایش به ثبت رسمی رسیده‌اند.

■ **نداشتن درک درست از شرایط همسایه غربی**

پس از آنکه ارتش عراق حمله به سیرین را با ۱۵ کشته به نام خود ثبت کرد دولت موقت اعتراض شدید ایران را به سفیر این کشور اعلام کرد و عراق متعهد شد خسارات وارده را جبران کند، اما واکنش ضعیف ایران دوباره بعثی‌ها را بر آن داشت تا در ۲۱ اسفند ۵۷ با چند فروند بالگرد به حریم هوایی ایران در مریوان تجاوز کنند. هر دوی این تجاوز مرزی کمتر از یک‌ماه پس از پیروزی انقلاب بود، اما با شروع سال ۵۸ عراق که از واکنش جدی ایران خود را ایمن می‌دید، هر روز جسورتر از روز قبل می‌شد.

عدم درک درست از شرایط همسایه غربی، نکته‌ای است که آن روزها ایران از آن رنج می‌برد. انقلاب نوپای اسلامی هنوز آن طور که باید و شاید تحکیم نیافته بود و در داخل کشور، بسیاری از دولتمردان و سیاستمداران و حتی نظامی‌ها، از درک و تحلیل درست وقایع عاجز بودند.

برای درک بهتر این موضوع شاید بهتر باشد نقل قولی از جورج کیو، جاسوس سازمان سیا را که اوایل انقلاب به ایران سفر کرده بود یادآور شویم. قبل از این نقل قول، ذکر این نکته لازم است که در دوران پهلوی دوم، ایران و امریکا در پروژه‌ای به نام «آیبکس» همکاری‌های اطلاعاتی داشتند. ذیل این پروژه امریکا می‌توانست از طریق سایت کبکان از عمق کشور شوروی استراق سمع کند و در عوض آنها نیز لوازم مورد نیاز برای استراق سمع ایران از عمق خاک عراق را در اختیار ارتش قرار می‌دادند.

جورج کیو می‌گوید: «وقتی با امیر انتظام و ابراهیم یزدی دیدار کردم تا آنها را از خطر حمله عراق آگاه سازم، متوجه شدم نه فقط از برنامه جنگی عراق چیزی نمی‌دانستند بلکه از توانایی ارتش ایران در جمع‌آوری اطلاعات هم کاملاً بی‌خبر بودند. او (امیر انتظام) اصلاً در مورد اسم آیبکس یا توانایی‌اش چیزی نشنیده بود.»

عدم درک صحیح توانایی‌های داخلی در کنار عدم تحلیل درست از شرایط کشور عراق، باعث شده بود تا یک نوع سردرگمی در برخورد با تجاوزهای همسایه غربی رخ دهد. در واقع در ایران کسی نمی‌دانست یا شاید نمی‌توانست تمرکز کند تا بداند قصد عراق از این تجاوزهای مرزی چیست. بعدها مشخص شد صدام به یک خبرنگار لبنانی گفته بود: «در مرحله اول می‌توان گفت تصمیم و مبادرت به جنگ روزی که موافقتنامه «الجزیره» در ۶ مارس ۱۹۷۵م. امضا گردید، گرفته شده بود!»

■ **خرداد سال ۱۳۵۸ و گسترش تجاوزها**

اواخر خرداد ۱۳۵۸ اتفاقی در کشور عراق رخ داد که روی تاریخ معاصر ایران بسیار تأثیرگذار بود. ۲۷ خرداد احمد حسن البکر در یک کودتای بی‌سر و صدا و داخلی، توسط صدام کنار گذاشته شد و از آن پس تا ۲۰ فروردین ۱۳۸۲، صدام بر عراق حکومت کرد. روی کار آمدن دیکتاتور بغداد شروع جنگ با ایران را تسهیل کرد. حسن البکر به شیوه‌های مسالمت آمیز تمایل بیشتری داشت و در عوض صدام حسین جنگ را بهترین راه حل برای غلبه بر ایرانی‌ها می‌دانست. چنانچه اندکی پیش از رسیدن به مقام ریاست جمهوری به صلاح علی وزیر خارجه وقت عراق گفته بود: «ایران به خاطر تغییر حکومت در شرایط خاصی قرار دارد و اگر از این فرصت تاریخی استفاده نکنیم، تا صد سال دیگر چنین مجالی به دست نخواهیم آورد.»

با ظهور صدام حسین به عنوان رئیس‌جمهور مادام العمر عراق، از همان خرداد ۱۳۵۸ تجاوزهای مرزی عراق دوباره شعله‌ور شد. چنانچه واحدهای مرزی کشورمان تیراندازی نیروهای مرزی عراق به پاسگاه‌های مرزی ایران و تجاوز هوایی هواپیماهای این کشور به حریم هوایی ایران در ۱۵ خرداد ماه ۱۳۵۸ را به ثبت رساندند. سپس تجاوز پلیس عراق به داخل خاک ایران در روستاهای مرزی آذربایجان غربی و حمله به عشایر ایرانی در ۳ تیرماه ۱۳۵۸، تجاوز هوایی به مریوان در ۹ تیر ۱۳۵۸، شلیک موشک آر پی جی ۷ به سوی کامیون سپاه و خودروی ارتش از خاک عراق در منطقه شلمچه در ۱۰ تیر ۱۳۵۸ و... یکی پس از دیگری به ثبت رسیدند.

■ **اوج تجاوزها از شروع سال ۱۳۵۹**

با شروع سال ۵۹ شمشیرها از رو بسته شده بودند. در این سال تجاوزهای مرزی عراق به قدری گسترش یافته بودند که حتی سازمان منافقین هم اعلام کرده بود قصد اعزام نیروهایی به مرزها برای مقابله با دشمن را دارد، اما به رغم هشدارهایی که از سوی نظامی‌های ایرانی مستقر در مرزها به مرکز اعلام می‌شد، اقدام خاصی برای مقابله با دشمن صورت نمی‌گرفت.

از اردیبهشت سال ۵۹ کار به جایی رسیده بود که هر ماه گزارشی از چندین مورد تجاوز مرزی (زمینی، دریایی و هوایی) عراق مخابره می‌شد. در تابستان گرم همین سال، برای بسیاری از نظامی‌های حاضر در مرزها، موضوع حمله عراق به یک مسئله حتمی تبدیل شده بود. ارتش جمهوری اسلامی ایران در تابستان ۵۹ طرح ابوذر را برای تقویت مرزها به اجرا گذاشت. اما این طرح عموماً با یگان‌های حاضر در مناطق مرزی مانند لشکر ۹۲ زرهی اهواز، ۸۱ زرهی کرمانشاه و... انجام گرفت و کمک خاصی به تقویت مرزها نکرد. البته از دو لشکر ۷۷ زرهی خراسان و ۸۸ زاهدان نیز خواسته شد تا برخی یگان‌های خود را به جبهه‌های غرب اعزام کنند. آنها در غرب بیشتر درگیر مناقشه کردستان شدند و جبهه جنوب با انبوه تانک‌های دشمن تنها ماند.

■ **۱۶ شهریور ۵۹ حمله عراق به غرب کشور**

همان طور که ذکر شد، در ۱۶ شهریور عراق تجاوز سنگینی به یک منطقه نسبتاً گسترده در جبهه غربی انجام داد. طی این هجوم گسترده، عراق مناطقی چون میمک، خان لیلی، زینل کش، دیالی، هنجیره و جهفه الموت را اشغال کرد. وسعت این منطقه چیزی حدود ۱۵۰ کیلومتر مربع بود. با اشغال زینل کش عملاً جاده اصلی قصرشیرین- نفت شهر مسدود شد. هرچند این اشغال موقتی بود و ارتش عراق از عمده متصرفاتش عقب‌نشینی کرد، اما واقعه ۱۶ شهریور آن قدر برای صدام اهمیت داشت که سال‌ها بعد این روز را تاریخ دقیق شروع جنگ اعلام کرد. تنها ۱۵ روز بعد، بمباران ۱۰ فرودگاه ایران، دیگر هیچ بهانه‌ای را برای پذیرش جنگی که از پیش آغاز شده بود برای سیاسیون وقت باقی نگذاشت.

> در ۱۶ شهریور ۵۹ عراق تجاوز سنگینی به یک منطقه نسبتاً گسترده در جبهه غربی انجام داد. طی این هجوم گسترده، دشمن مناطقی چون میمک، خان لیلی، زینل کش، دیالی، هنجیره و جهفه الموت را اشغال کرد. وسعت این منطقه چیزی حدود ۱۵۰ کیلومتر مربع بود

> بعثی‌ها در هشتم اسفند ۱۳۵۷ یک تجاوز خونین به استان کردستان داشتند و با هفت فروند بالگرد، منطقه سیرین را بمباران کردند. طی این تجاوز آشکار و علنی، ۱۵ ایرانی در سیرین به شهادت رسیدند. سیرین منطقه‌ای بین شهر مرزی بانه و آبادی شورطه بود

خاطره

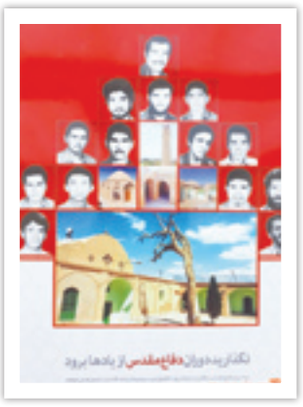

برش‌هایی از کتاب ترنم خاطره
(واکاوی خاطرات شهدای روستای فهرج یزد)

لباس رزم نو پوشید و برای همیشه رفت

■ زهرا محمدزاده

پس از پایان دفاع مقدس، فرصت کافی برای نشر ارزش‌های این دوره خاص از تاریخ کشورمان پدید آمد. در این میان به دلیل حضور تعداد قابل توجهی از رزمندگان از یک منطقه (شهر یا روستا) در جبهه‌های دفاع مقدس، نویسندگان خوش ذوق را بر آن داشت تا به صورت خاص خاطرات رزمنده‌ها و شهدای چنین مناطقی را به رشته تحریر درآورند. روستای فهرج یزد نیز با ۱۴ شهید، به نسبت جمعیت خود حضور پررنگی در دفاع مقدس داشت. با هم نگاهی به بخش‌هایی از خاطرات شهدای این روستا که ذیل کتابی به قلم یوسف حسینی فهرجی نگاشته شده است می‌اندازیم.

شهید رجبعلی حسینی

■ **شهادت یا دامادی**

صفا باقری، مادر شهید حسینی می‌گوید: «یکی از افتخارات من این است که هنگام خاکسپاری فرزندم اصلاً گریه نکردم. حتی شیرینی دادم. همسرم با تعجب نگاهم کرد. پیش خود گفتم من رجبعلی را داماد کرده‌ام و نباید گریه کنم. چرا اینها دارند گریه می‌کنند؟... یادم آمد وقتی رجبعلی به جبهه می‌رفت، تا دم در رفت و برگشت. گفتم چرا برگشتی مادر جان؟ نکند انار می‌خواهی؟ چشمانش پر از اشک شد. من را بوسید و موقع رفتن گفت زودتر برادرم رضا را داماد کنید، چون وقتی من برگشتم می‌خواهم داماد شوم. گفتم حالا تو به سلامتی برگرد، یک فکری می‌کنیم. بعد گفت اگر شهید شدم برایم گریه نکنید. من هم همین کار را کردم و نه تنها برای شهادتش گریه نکردم که در مراسم خاکسپاری‌اش شیرینی دادم. انگار که فرزندم داماد شده بود.»

شهید محمدرضا حسینی

■ **کمد یادگاری**

علی باقری همرزم شهید می‌گوید: «وقتی محمدرضا عضو پایگاه بسیج روستایمان بود، من مسئول این پایگاه بودم. شهید حسینی علاقه زیادی به حضور در پایگاه داشت و هر وقت او را می‌دیدم، همراه شهید رجبعلی حسینی به پایگاه می‌آمدند و آنجا را نظافت می‌کردند. محمدرضا نجار ماهری بود. قبل از اینکه به جبهه برود، به او گفتم یک کمد و یک ویترین برای پایگاه بساز. ساخت و هزینه‌اش را کم‌کم به او پرداخت کردیم. محمدرضا رفت و کمد و ویترینی که برای پایگاه ساخته بود، همان جا ماند. کمی بعد که خبر رسید به شهادت رسیده است، یاد کمد افتادم. انگار او می‌خواست نشانی از خود در پایگاهی که آن قدر محیطش را دوست داشت، به یادگار بگذارد. هنوز هم بعد از گذشت این همه سال، آن کمد و ویترین در پایگاه شهید اشرفی اصفهانی فهرج موجود است و عطر و بوی شهید محمدرضا حسینی را می‌دهد.»

شهید حمید بوسلیک

■ **لباس نوی رزم**

حسین بوسلیک پدر شهید می‌گوید: «ما از خانواده‌های جنگ‌زده خرمشهری بودیم که به فهرج آمدیم. روزی که حمید پس از مدت‌ها حضور در جبهه به خانه برگشت، به او گفتم تا الان چند ماه جبهه بودی، دینت را ادا کردی، دیگر بس است نرو. حالت چهره‌اش تغییر کرد. با آرامش به من گفت بابا یادت است در خرمشهر چه‌ها دیدیم. دیدی عراقی‌ها چه بر سر مردم آوردند. مگر ندیدی چگونه بچه‌های مردم را اسیر می‌کردند. چگونه زن‌ها و بچه‌های مردم را کشتند. اگر به جبهه نرویم، دشمن می‌آید داخل کشور و همین کارها را تکرار می‌کند. ما می‌رویم تا دشمن به عمق کشورمان نیاید... نتوانستم حرفی مقابل حرفش بزنم. برایش لباس‌های نو خریدم. سرتا پا لباس نوی رزم پوشید و برای آخرین بار به جبهه رفت. دیگر او را ندیدیم چون پیکرش تا مدت‌ها مفقود بود. وقتی پیکرش را از بصره تفحص کردند، چیزی جز استخوان باقی نمانده بود.»

> محمدرضا نجار ماهری بود. قبل از اینکه به جبهه برود، به او گفتم یک کمد و یک ویترین برای پایگاه بساز. ساخت و هزینه‌اش را کم‌کم به او پرداخت کردیم. محمدرضا رفت و این‌بار به شهادت رسید. کمد و ویترینی که برای پایگاه ساخته بود، هنوز هم مانده است

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۲۹۵

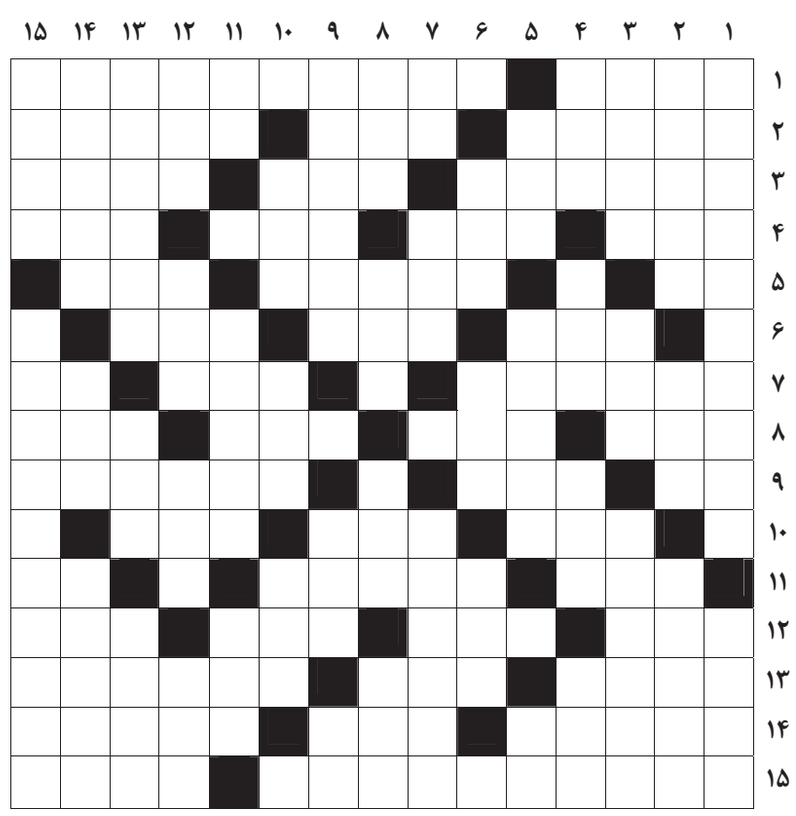

از راست به چپ

■ ۱- آتش ایرانیان باستان- رهبر سرخ‌جامگان که در مقابل خلفای عباسی ایستادگی کرد ■ ۲- هال- مکر و فریب- باطل‌شده ■ ۳- اضطراب- تنبک- سلاح خطرناک ■ ۴- نهنگ- سازمان بزرگ جهانی- بهشت شداد- سال آذری ■ ۵- ضمیر اشاره- ترس ناشی از خیالات- پول خرد هند ■ ۶- بخشش- دارایی- حریص ■ ۷- بخش بسیار درخشان خورشید- تصویر- یزدان ■ ۸- پول خارجی- نیشکر- زندان- خونبها ■ ۹- کلاه الف- انسان- یک دسته سرباز ■ ۱۰- گاوآهن- همراه کلنگ- عقل و خرد ■ ۱۱- رهبر کره شمالی- برای اسیران خاک می‌خوانند- بنده و شما ■ ۱۲- مادر آذری- به عمل برآید- صومعه- از بین بردن ■ ۱۳- نخستین ماه قمری- نفرین- ده سانتیمتر ■ ۱۴- دیاستاز- سرشک- تولد، ولادت ■ ۱۵- نویسنده انگلیسی لبه تیغ- اجرا کننده نمایش تلویزیونی

از بالا به پایین

■ ۱- معرفینامه رسمی‌ای که نمایندگی فرستاده‌ای را تأیید می‌کند- ورم ■ ۲- پرنده‌ای از نوع باز شکاری- دعای زیرلب- خمیدگی ■ ۳- نبی- پایه دیوار- از نواحی باستانی آسیای مرکزی، در ساحل جنوبی دریاچه آرال ■ ۴- نظرات- بخیه درشت- میان- سرور و آقا ■ ۵- نام- تابندگی- فلز رسانا ■ ۶- میوه باب گلو- نیزار خوزستانی‌ها- واحد شمارش گردو ■ ۷- اسم آذری- کاپیتان آلمان در جام جهانی ۲۰۱۴- در گذشته اجازه ورود عمومی به دربار شاهان را می‌گفتند ■ ۸- کینه- رستنی نهانزا- قطعه الکتریکی- رشد کردن ■ ۹- قند سوخته- سنگ قبر- ویتامین جدولی ■ ۱۰- گوسفندزاده- جامه گشاد و بلند- چهارشاخ خرمن برباده ■ ۱۱- فرار حیوان- از حروف تحریر فارسی- درس کشیدنی ■ ۱۲- قربانگاه حاجیان- رود مرزی- بسته‌بندی استوانه‌ای- زادگاه پدر شعر نو ■ ۱۳- امضا- آنتن بشقابی- مالامال ■ ۱۴- از نمازهای واجب- تزویر- قطعی ■ ۱۵- درخت خرما- پایمال کردن قول و قرار

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۵					۹	۷	
	۳							
			۷		۵		۴	
					۹		۸	۶
۳						۲	۹	
۶					۴	۳		
۲		۴		۹				
		۸		۱	۶			
				۸				۵

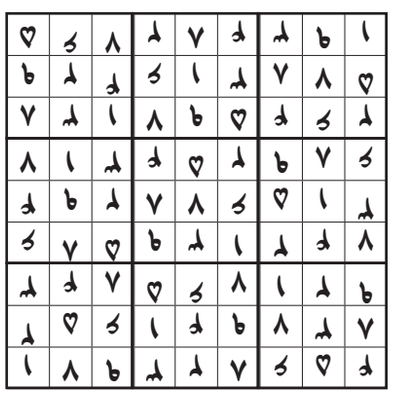

جدول کلمات متقاطع
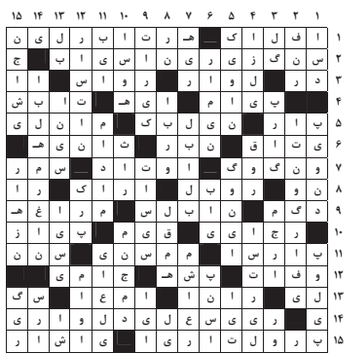
پاسخ جدول شماره ۶۲۹۴